

جوان و جوانی

مترجم:

محمد جمالزهی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam۴۱۱.com

www.videofarda.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

جوان! تو کیستی؟ از کدام گروه هستی؟	۵
تو از کدام گروهی؟	۵
جوان و جوانی، اسباب انحراف و گمراهی	۹
اسباب انحراف و گمراهی جوانان	۱۰
وقفه	۱۱
راه نجات، راه برگشت بسوی خدا	۱۱
برای چه آفریده شده‌ای؟	۱۲
تأخیر در توبه، راهی که باید پیمود	۱۴
سفری که باید انجام شود	۱۶
قبل از پیشیمانی - راه سعادت	۱۷
معالجه و سوسه‌ها و تردیدها - محبت خدا	۲۰
اسباب محبت خدا	۲۲
نعمت‌هایی فراوان و سپاسگزاری از آنها	۲۳
نعمت اسلام	۲۳
نعمت قرآن	۲۳
نعمت سنت	۲۴
نعمت عقل	۲۴
نعمت اعضاء و جوارح	۲۴
نعمت مال	۲۵
یک جرعه آب مساوی با حکومت هارون الرشید:	۲۵
نماز ستون دین است	۲۵

۲۶..... نماز جماعت

۲۶..... منکراتی که باید از آنها دور جست

جوان! تو کیستی؟ از کدام گروه هستی؟

برادر جوان!

آیا خودت را می‌شناسی؟ آیا تاریخ وجود خود را می‌دانی؟ آیا نیاکان خود را می‌شناسی؟
مجد و عزت خویش را در چه می‌دانی؟
تو از سلاله‌ی بهترین و شریفترین انسانها؛ و از سلاله‌ی صحابه‌ی نیکوسیرت هستی، تو از
نوادگان علی بن ابی طالب، اسامه بن زید، خالد بن ولید و عبدالله بن عمر و عبدالله بن عباس
و مصعب بن عمیر و بزرگان دیگری، از جوانان صحابه‌ی اطهار.
تو کسی هستی که تاریخ را تغییر داده و توحید را در جهان نشر نموده است.
تو کسی هستی که به طاغوت‌های جهان درسی دادی که بعد از چهارده قرن هنوز آنرا
فراموش نکرده اند.

تو کسی هستی که پرچم عزت را بلند و خود را فدای دین نمود.
بهترین سلام و درود بر جوانان که گنجینه و خزانه‌ی گرانبهای ما هستند همانگونه که
اصحاب محمد صلی الله علیه و سلم جوانانی شامخ و سند افتخار دین بودند.

تو از کدام گروهی؟

اما گروه بازنده (جهنمی): در آتش و عذابند غذایشان زقوم و نوشیدنی شان آب داغ
است.

خداوند می‌فرماید: ﴿لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَلَمْنَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا
هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾ وَنَادَوْا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ ۗ قَالَ إِنَّكُمْ مَكْثُورَةٌ ﴿٧٧﴾ لَقَدْ
جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ ﴿٧٨﴾﴾. [الزخرف: ٧٥-٨٧]

«هرگز عذاب آنها تخفیف نمی‌یابد و در آنجا از همه چیز مأیوس و ناامید هستند، ما به
آنها ستم نکردیم آنها خود ستمکارند آنها فریاد می‌کشند ای مالک دوزخ ای کاش!
پروردگارت ما را بمیراند (تا آسوده شویم). می‌گوییم: شما اینجا ماندنی هستید ما حق را
برای شما آوردیم ولی بیشتر شما از حق کراهت داشتید.»

همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٤﴾ أَلَمْ تَكُنْ
ءَايَتِي تَتْلُو عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٥﴾ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا
قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٦﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿١٧﴾ قَالَ أَحْسَعُوا فِيهَا
وَلَا تُكَلِّمُونَ ﴿١٨﴾﴾ [المؤمنون: ۱۰۴-۱۰۸]

«شعله‌ی سوزان آتش همچون شمشیر بر صورت‌هایشان نواخته می‌شود و در دوزخ چهره‌ی
عبوس دارد، به آنها گفته می‌شود آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد؟ پس آن را تکذیب
می‌کردید، می‌گویند: پروردگارا! بدبختی ما بر ما چیره شد و ما قوم گمراهی بودیم،
پروردگارا! ما را از این (دوزخ) بیرون آر، اگر بار دیگر تکرار کردیم قطعاً ستمکاریم،
(خداوند می‌فرماید:) دور شوید در دوزخ و با من سخن نگویند.»

آنحضرت صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «جهنم را می‌آورند در حالی که هفتاد هزار
لگام بر آن است و با هر لگام هفتاد هزار فرشته که آنرا می‌کشند». (مسلم)
می‌بینی که تیمی بر تیم دیگر به پیروزی خوشنود شده و جشن می‌گیرند، اما فلاح حقیقی
از آن کسی هست که از جهنم نجات یافته و داخل بهشت شود، خداوند می‌فرماید:

﴿فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ
الْغُرُورِ ﴿١٨٥﴾﴾ [آل عمران: ۱۸۵]

«کسی که از آتش جهنم دور شد و داخل بهشت گردید همانا او پیروز و به فوز رسیده است
و زندگی دنیا جز کالای فریب نیست.»

همانگونه که در دنیا دو گروه با هم مسابقه و بازی می‌کنند و در پایان یکی به عنوان
پیروز میدان معرفی می‌شود. در رسیدن به فلاح و رستگاری آخرت نیز گروه‌هایی مسابقه
می‌دهند که آنها بازی نمی‌کنند و مسابقه حقیقی همان است که نتیجه آن را خداوند چنین

اعلام می‌فرماید: ﴿فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ﴿٧﴾﴾ [الشوری: ۷].

گروه پیروز (بهشتی): در نعمت‌های همیشگی اند؛ و نعمت‌هایی که نه چشمی آن‌ها را دیده و نه گوشی شنیده و بر قلب و ذهن و اندیشه‌ای خطور نکرده است. خداوند می‌فرماید:

﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (السجدة: ۱۷)

«هیچ کس نمی‌داند چه پادشاهای مهمی که مایه‌ی روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده، این پادشاه کارهایی است که انجام می‌دادند!».

و نیز می‌فرماید:

﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ﴾ ﴿۷۰﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّن ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۷۱﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۷۲﴾ [الزخرف: ۷۰-۷۲]

«همان کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم بودند به آنها خطاب می‌شود، شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید (این در حالی است که) ظرف (غذا) و جامهای طلایی (شرابا طهورا) را گرداگرد آنها می‌گردانند و در آن (بهشت) هر آنچه نفس اشتها می‌کند و چشمها از آن لذت می‌برد موجود است و شما همیشه در آن خواهید ماند، این بهشتی است که شما به سبب آنچه انجام داده اید وارث آن می‌شوید».

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «در بهشت درختی است که اگر سوار کار ماهر و چابک و سریع السیر بتازد صد سال طول می‌کشد تا به انتهای آن برسد».

این فقط یک درخت چنین عظیم و گسترده ایست که مسیر صد ساله‌ی چابک سوار می‌باشد .

آنحضرت صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «چون اهل بهشت وارد آن می‌شوند منادی ندا می‌دهد برای همیشه در اینجا زنده بمانید و هرگز بر شما مرگ و فنا نمی‌آید، سالم و تندرست باشید مریضی بر شما عارض نمی‌شود و اینجا جوان بمانید و پیری بر شما طاری نمی‌شود و در نعمت ناز باشید و فقر و ناداری به شما نمی‌رسد». (مسلم)

آیا نعمت دیگری بعد این نعمت وجود دارد؟

آیا پیروزی و رستگاری بعد از این پیروزی وجود دارد؟
آری! زندگی جاوید و ابدی، صحت و سلامت دایمی، جوانی که تغییر نمی پذیرد.
نعمتهایی که فنا نمی شود و...
خدایا ما را به سلامت بدار! خدایا ما را سلامت بدار! .. خدایا بر ضعف و ذلت و خواری ما
رحم کن و ما را از این مصیبت سالم بدار!

جوان و جوانی، اسباب انحراف و گمراهی

برادر جوانم! به خودت بنگر، و اعمالت را بررسی کن و سپس خود قاضی باش و بر نفس خود قضاوت کن که از کدام یک از این دو گروهی؟
آیا از جوانان هدایت یافته و مؤمن هستی؟ کسانی که به خدا و روز قیامت و ملائکه و کتابهای آسمانی و پیامبران ایمان دارند؛ ایمانی که آنها را به انجام اعمال نیک هدایت کند و از منکرات باز دارد؟.

آیا از جوانانی هستی که تنها خدا را می پرستند و برای او شریکی نمی گیرند؟
آیا از جوانانی هستی که تابع دستور پیامبر صلی الله علیه و سلم در گفتار و کردار هستند؟
آیا از جوانانی هستی که نماز را بر پا می دارند و زکات مال خود را می پردازند و روزه ماه رمضان را می گیرند، و حج بیت الله الحرام را به بهترین نحو انجام می دهند؟
آیا از جوانانی هستی که پایبند نصیحت اند و خیر خواه اوامر الهی و سنت رسول و همه تن مسلمان اند؟

آیا از جوانانی هستی که مردم را با حکمت و پند حکیمانه به سوی خدا دعوت می دهند.
آیا از جوانانی هستی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و صادقانه حرف می زنند و حق را قبول می کنند؟

آیا از جوانانی هستی که دارای اخلاق نیک و نفس کریم و قلوب پاک اند؟
اگر از این گروه هستی، همانا این گروه افتخار امت، و رمز حیات و سنبل زندگی خوشبخت اند، آنان از خداوند امیدوارند که کجی و فساد مسلمین بوسیلهی آنها اصلاح شود و راه سالکین بوسیلهی آنها بازگشایی و منور گردد و سنت پیامبران بوسیلهی آنان زنده شود.
اگر از این گروه هستی بشارت باد به تو پیروزی و کامیابی در دنیا و آخرت.
اما گروه دوم جوانان: جوانانی که عقیدهی انحرافی دارند و راه و روش آنان ناصحیح و غرورشان آنها را نابود کرده و شهوات بر آنها غالب شده است.

جوانانی که، سرکش اند و حق را نمی پذیرند و دامان خود را از باطل بیرون نمی کشند.
جوانانی که، به ضایع شدن حقوق الهی و بندگان او پروایی ندارند.
جوانانی که توازن فکری و قدرت تصمیم گیری را ندارند.

جوانانی که، نه راه مسجد را می‌دانند و نه روزه و نه زکات دادن و نه راه حج را، مگر بنا بر حسب عادت و رسم چیزی انجام می‌دهند.

جوانانی که، نصیحت قبول نمی‌کنند و بر حق متقاعد نمی‌شوند و رأی بجز رأی خود نمی‌شناسند و جوانانی که بر اخلاق بد و خوی نامتعارف خود ثابت‌اند و آن را خوب می‌پندارند. آنان در واقع بدترین اعمال را انجام می‌دهند و همت و سعی خود را در تلاطم زندگی طوفانی گم کرده‌اند، بد انجام می‌دهند و گمان می‌کنند که کار آنها نیک است. دوست گرامی! اگر از این گروه هستی یا بعضی از صفات این جوانان را داری قسم به خدا که در راه خطرناکی قدم گذاشته‌ای و بیم آن می‌رود چون بمیری از گروه جهنمی‌ها قرار گیری.

اسباب انحراف و گمراهی جوانان

- ۱- اوقات فراغت (بیکاری): زهر کشنده‌ای است که فکر و عقل و نیروی جسمانی را نابود می‌کند و علاج این معضل این است که جوانان در تلاش کاری باشند، مطالعه، نوشتن، تجارت و هر کاری که مناسب با شخصیت آنها باشد و اوقات فراغت آنها را پر کند.
- ۲- استفاده نکردن از تجربه‌ی بزرگان: علاج این مشکل پر کردن خلاء و فرجه مابین قشر جوان و مردان سالخورده است، وهمه باور کنند که پیران و جوانان پیکره‌ی یک اجتماع هستند اگر عضوی از آن فاسد شود به همه اعضا سرایت می‌کند.
- ۳- ارتباط با گروه منحرفین و دوستی با آنها: علاج این است که جوانان افرادی را برای دوستی انتخاب کنند که متدین و صالح و عاقل باشند.
- ۴- خواندن کتاب‌ها و مجلات فاسد: که جوان را نسبت به دین و عقیده‌اش دچار تردید و شک می‌کند و علاج آن این است که از خواندن چنین کتابهایی پرهیز کند و به مطالعه کتابهای دینی روی آورد.

۵- بدگمانی به دین اسلام: جوانان چنین فکر می کنند که اسلام مانع آزادی بوده، و به تهجر و عقب گرایی دعوت می دهد و مانع بین اجتماع و پیشرفت است این طرز فکر نتیجه‌ی عدم آگاهی و جهالت نسبت به دین اسلام است. علاج آن این است که جوان حقیقت اسلام را فرا گیرد و مزایا و محاسن آن را بشناسد.

وقفه

خواندن این دعا فقط ۱۵ ثانیه از وقت شما را می گیرد

«اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ بِدُنْبِي، فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»
ما را در دعا‌های خیرتان فراموش نکنید!

راه نجات، راه برگشت بسوی خدا

بسیاری از جوانان می گویند ما از گروه منحرفین هستیم! چگونه می توانیم پرهیزگار شویم؟ از کجا شروع کنیم؟

می خواهم بر راه راست و مستقیم حرکت کنم مرا راهنمایی کنید.

برادر جوان! برای پاسخ گفتن به این سئوالات باید بگویم راه واضح و روشن است و هر بینایی به راحتی می تواند در آن قدم بردارد، نوری است که وسط تاریکی می درخشد و کشتی نجات است که در مسیرش امواج هولناک وجود دارد.

اما راه توبه (نجات): خداوند می فرماید:

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

«ای مومنین دسته جمعی بسوی پروردگار رجوع کنید شاید رستگار شوید» [النور: ۳۱]

و نیز می فرماید:

﴿وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَنْ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ

لَا تَشْعُرُونَ﴾

«از بهترین دستورهایی که از سوی خداوند بر شما نازل کرده پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (الهی) ناگهان به سراغ شما آید و در حالی که از آن خبر ندارید». [الزمر: ۵۴]

آنحضرت صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «خداوند درب توبه را از جانب مغرب قرار داده که عرض آن مسیر چهل سال راه است و تا مادامیکه خورشید از مغرب طلوع نکند درب آن بسته نمی‌شود». (ترمذی)

قسم به ذات پروردگار که این راه آسان و رفتن در آن راه هیچ سختی و مشکلی را در بر ندارد و انسان را به نعمت‌های ابدی و دایمی می‌رساند که هرگز از بین نمی‌روند.

حافظ ابن قیم می‌فرماید: «برای داخل شدن به بارگاه الهی و همجواری او شتاب کنید که دارالسلام آنجاست و هیچگونه خستگی و کوفتگی بر شما عارض نمی‌شود و آسانترین راه است».

بدین خاطر که تو در بین یکی از دو وقت قرار داری که در واقع عمر تو است. (وقت موجود) که بین وقتی که از دست تو رفته و وقت آینده قرار دارد.

آنچه گذشته آنرا با توبه و ندامت و استغفار اصلاح کن و این عمل برای تو خستگی ندارد و این کار دل است، و زمان آینده را مواظب باش تا آنرا با گناه آلوده نکنی این نیز برای تو خستگی را در بر ندارد؛ زیرا وابسته به اراده و نیت تو است.

آیا این آسانی پروردگار را بر بندگان مشاهده می‌کنی و عدم تکلیف بر آنچه که توانایی ندارند، با این همه، لازم است که نیت راست و تصمیم قاطع باشد و برنامه‌ریزی به آنچه که برای دنیا و آخرت مفید است.

برای چه آفریده شده‌ای؟

برادر جوان! جستجوی جواب این سؤال از بهترین مسایلی است که مسلمان را بر قدم گذاشتن بر طریق استقامت و انابت بسوی او یاری می‌کند. زیرا خداوند ما را بیهوده و بدون هدف نیافریده است و ما برای هدفی عظیم که همانا عبادت خدا است به دنیا آمده ایم.

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶]

و عبادت تنها شامل بعضی اعمال تعبدی مانند نماز، روزه و حج نمی‌شود بلکه همه زندگی فرد مسلمان را در بر می‌گیرد حتی به بعد از مرگ نیز می‌رسد.

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ ۗ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾﴾. [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳]

«بگو: «نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. همتایی برای او نیست؛ و به همین مأمور شده‌ام؛ و من نخستین مسلمانم» نماز تو عبادت، روزه تو عبادت، صدقه، بخشش، حج و عمره، نیکی به پدر و مادر، حفاظت از چشم، طلب علم، آمادگی برای ازدواج، خوردن و نوشیدن و تلاش برای کسب روزی حلال و خواب را می‌توان در زمره‌ی عبادت‌ها قرار داد و این امتیاز دین اسلام بر سایر ادیان است.

آیا شایسته است خداوند بعد از این تو را جایی بیابد که از آن نهی کرده و جایی که امر شده‌ای حاضر نباشی؟

آیا شایسته است مساجد از وجودت خالی باشند و استادیوم‌ها را آباد نگه داری؟
آیا شایسته است که کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم را ترک کنی و گوش هایت همواره با موسیقی پر باشد؟

آیا شایسته است که سنت مسواک را ترک کنی و بجای آن سیگار که مسواک شیطان است را به دهان بگذاری؟

آیا شایسته است که مجالس علم و ایمان را ترک کنی و همراه منحرفین در مجلس غیبت، سخن چینی و دروغ (بهتان) باشی؟

تأخیر در توبه، راهی که باید پیمود

ای جوان! اینک تو در عنفوان جوانی و بهترین لحظات عمر خود را سپری می‌کنی. بسیاری فریب جوانی خود را می‌خورند و می‌گویند اینک باید از جوانی لذت حاصل کرد و زمان پیری جبران می‌کنیم، این طرز تفکر به چند دلیل اشتباه است.

اولاً: طولانی بودن امیدها و آرزوها از آفات بزرگی است که چون سنگ بزرگ در مسیر توبه قرار می‌گیرد بنا بر چه تضمینی می‌گویی اگر به سن پیری رسیدیم توبه و عبادت می‌کنم؟

ابن جوزی می‌فرماید: «بر انسانی که نمی‌داند چه لحظه‌ای در چنگال مرگ به دام می‌افتد لازم است که همیشه آماده باشد، فریب جوانی و سلامتی را نخورد زیرا بسا اوقات پیران از جوانان دیرتر می‌میرند».

دوم اینکه: جوان عزیز اگر خداوند به تو عمر طولانی عطا کند و جوانی را پشت سر بگذاری و به سن پیری برسی چه تضمینی وجود دارد که موفق به توبه شوی؟ بسا اوقات گناهان و معاصی چنان دل را کدر می‌کنند که انسان موفق به توبه کردن نمی‌شود و گاهی ممکن است توبه تا آنجا به تاخیر بیافتد که مرگ و اجل فرارسد و انسان هنوز به دام گناه گرفتار باشد.

سوم اینکه: چه تضمینی وجود دارد که در آن حالت پیری توان و نیروی عبادت را داشته باشی در حالی که نیرو و نشاط جوانی را از دست داده‌ای. چون انسان به سن پیری می‌رسد صبر بر طاعت ندارد مگر کسی که خداوند بر او رحم کند. استخوان‌ها ناتوان و پوک می‌شوند و چشمان ضعیف و گوشها سنگین می‌شوند تا آنجا که انسان توان ادای فرایض را ندارد و این جوانمردی نیست که فصل و دوران جوانی را به هوای نفس و شیطان بگذاری و دوران پیری و ضعف را به طاعت پروردگار.

چهارم اینکه: لذت و تمتع واقعی در انجام دادن گناه حاصل نمی‌شود بلکه در طاعت و اتباع امر پروردگار و اجتناب از منهیات ممکن است. لذت و شیرینی از کام کسی که آن را از طریق حرام حاصل نموده است از بین می‌رود فقط اثر گناه آن می‌ماند و در لذتی که پس آن آتش باشد خیر نیست.

ابو سلیمان می‌فرماید: «جواب پاکی با پاکی داده می‌شود و جواب تیرگی با تیرگی و کسی که در شب احسان کند روز جواب احسان و نیکی خود را دریافت می‌کند و کسی که روز احسان کند شب به آن احسان خود پاداش داده می‌شود».

پنجم اینکه: از جوانی خود سؤال می‌شوید که در چه راهی آن را فنا کرده اید.

آنحضرت صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «بنده روز قیامت قدم بر نداشته که از او پنج سؤال می‌شود، از عمرش که در کجا فنا کرده، از جوانی که چگونه آن را گذرانده است و از مال اش که از کجا کسب کرده و به کجا آن را مصرف نموده است و به علمی که داشته چقدر عامل بوده». (ترمذی)

و از هفت گروهی که روز قیامت زیر سایه‌ی عرش الهی قرار می‌گیرند «جوانی است که در عبادت خدا رشد کرده است».

ششم اینکه: بالفرض اگر در آخر عمر موفق به توبه و انابت شدی با این تاخیر درجه و مقام مقربین و صدیقین را از دست دادی، انسانی که همت پایین دارد از خواهشات نفس پیروی می‌کند و به عفو و بخشش توکل می‌کند.

سفری که باید انجام شود

برادر جوان: آیا هادم اللذات (از بین برنده‌ی لذت و شهوت) و مفرق جماعات (مرگ) را یاد کرده‌ای؟ آیا به شدت و سختی لحظه‌ی جان‌کندن اندیشیده‌ای؟
آیا روزی را که در جمع مردگان قرار می‌گیری را به یاد آورده‌ای؟
آیا روز مفارقت از دوستان، اهل و عیال و همسایگان را یاد می‌کنی؟
آیا تنگی قبر و تاریکی آن را می‌دانی؟
آیا وحشت و سختی قبر را یاد کرده‌ای؟
آیا عذاب قبر را یاد کرده‌ای؟
آیا به فکر کرم‌ها، عقرب و مارهای آن بوده‌ای؟
آیا به گرزهای آتشین آن روز اندیشیده‌ای؟
آیا به سؤال نکیر و منکر فکر کرده‌ای؟
آیا می‌توانی به آنها جواب صحیح دهی؟ یا به تو می‌گویند، بی‌جواب به قبر آمده‌ای.
برادر جوان: این سفری است که باید انجام شود هر چند که عمر طولانی باشد و به سال‌ها و روزهای متوالی بیانجامد، چه کسی تاکنون مرگ را از خود دفع کرده است؟
چه کسی ملک الموت را از خود رانده و ساعت مرگ خود را به تأخیر انداخته است؟
پس تکبر برای انسانی که طعمه‌ی کرم‌ها می‌شود چه معنی دارد چرا سر کشی؟
وقتی که خاک آخرین مکان و منزلت توست.

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾. [آل عمران: ۱۸۵، الأنبياء: ۳۵، العنكبوت: ۵۷]

«هر نفسی (طعم) مرگ را می‌چشد!».

﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ [القصص: ۸۸]

«همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می‌شود»

قبل از پشیمانی - راه سعادت

برادر جوان: آیا از مردگان عبرت نمی‌گیری، آیا از عواقب کسالت و تنبلی پشیمان نمی‌شوی؟ افسوس بر آن غافلگی که واقعیت مرگ را شوخی تصور می‌کند و غافلگی که هر چه عمرش بیشتر می‌شود سقوط او وحشتناکتر می‌گردد.

ای جوان! هر انسانی به دنبال خوشبختی می‌گردد و راه‌های رسیدن به آن را جستجو می‌کند و برای از بین بردن موانع کوشش می‌کند ولی بسیاری از مردم خوشبختی را درک نمی‌کنند. بسیاری از مردم گمان می‌کنند خوشبختی در ثروت زیاد و داشتن قصر مجلل و ماشین / موتر مدل بالا است، بعضی گمان می‌کنند در رسیدن به شهرت است و بعضی خوشبختی را در کسب مراتب می‌دانند و بعضی خوشبختی را در مسافرت و گشت و گذار و سفرهای خارجی و مشاهده دیدنی‌ها می‌دانند.

بعضی گمان می‌کنند خوشبختی در رسیدن به شهوات و لذات و انجام هر آنچه نفس اشتها می‌کند (بدون در نظر حرام و حلال) است. در واقع این‌ها حقیقت خوشبختی را نشناخته‌اند و قیمت و ارزش آن را نمی‌دانند؛ زیرا به ظاهر آن متوجه شدند و حقیقت خوشبختی را ترک کردند و به آنچه که فنا و نابود می‌شود دل بستند.

سعادت واقعی، آن است که بنده نیک پرورگار آن را احساس می‌کند.

خداوند می‌فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ

أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾ [النحل: ٩٧]

«هر زن و مردی که اعمال صالح انجام دهد و مومن باشد حتماً به او زندگی پاک و

طیب عنایت می‌کنیم و پاداش آن‌ها را بهتر از آنچه که عمل کردند می‌دهیم».

هر چند انسان سرمایه و مال داشته باشد و از آنها استفاده کند و دارای زن، ساختمان، وسیله‌ی نقلیه و غیره باشد خوشبختی را احساس نخواهد کرد مگر اینکه با طاعت و فرمانبرداری خدا به این فلاح و پیروزی دست یابد.

الله بزرگ می فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ [طه: ۱۳۴]

«کسی که از یاد من غفلت کند و اعراض ورزد همانا برای او زندگی تنگ است و روز قیامت او را در حالی حشر می کنیم که کور است.»

روز قیامت این گروه آنچه که در دنیا بدان لذت می جستند را فراموش می کنند و مومنین راستین نیز مشکلات و زحمات را که به سبب فقر در دنیا متحمل می شدند فراموش خواهند کرد.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: «روز قیامت بنده ای که در دنیا در نعمت و ناز بوده یکبار در جهنم غوطه داده می شود، سپس از او می پرسند: ای فرزند آدم! آیا در دنیا راحتی دیده ای؟ آیا بر تو نعمتی عرضه شده؟ می گوید به خدا، من هیچ نعمتی در دنیا ندیدم. و فردی در دنیا فقیر و بیچاره بوده او را در بهشت یک دور می گردانند پس از او سوال می شود ای فرزند آدم! آیا در دنیا فقر و سختی دیده ای؟ می گوید: نه بخدا! هیچ سختی و مشکلی ندیدم.» (مسلم)

و خداوند در کلام خود به این گروه اشاره می فرماید:

﴿يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿١٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فِى النَّارِ هُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿١٦﴾ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ ۗ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٧﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فِى الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ ۗ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ ﴿١٨﴾﴾ [هود: ۱۰۵-۱۰۸]

«آن روز که (قیامت و زمان مجازات) فرا می رسد، هیچ کس جز به اجازه ای او سخن نمی گوید گروهی بدبختند و گروهی خوشبخت* اما آنها که بدبخت شدند در آتشند و برای آنان در آنجا «زفیر» و «شهیق» (ناله های طولانی دم و بازدم) است* جاودانه در آن خواهند ماند تا آسمانها و زمین برپاست مگر آنچه خداوند بخواهد. پروردگارت هر چه را بخواهد انجام می دهد! *اما آنها که خوشبخت و سعادت مند شدند، جاودانه در بهشت خواهند ماند تا

آسمانها و زمین برپاست، مگر آنچه پروردگارت بخواهد! بخششی است قطع نشدنی!» [هود ۱۰۵-۱۰۸].

ای برادر مسلمان! راه سعادت و پیروزی برایت مشخص شد و بر تو لازم است که در آن قدم بگذاری و راه‌های دیگر را فراموش کنی.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ

عَنْ سَبِيلِهِ﴾ [الأنعام: ۱۵۳] «این است راه مستقیم من، از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه من دور می‌کنند».

معالجه وسوسه‌ها و تردیدها - محبت خدا

جمعی از جوانان از شیخ عبدالعزیز سؤال کردند، که در حال تنگدستی و فقر زندگی می‌کنیم تا آنجا که در وجود خدا و قرآن و پیامبر در دل ما شبهه و شک ایجاد شده و در دل خود قساوت و پرده‌ای که مانع حق شده است را می‌بینیم ... ما را راهنمایی کنید؟ در جواب فرمود: ... در زمان رسول اکرم در بین دوستان پیامبر نیز چنین شک‌هایی به وجود می‌آمد که برخی در مورد پروردگار بود، آنحضرت به آنها سفارش می‌فرمود به این هنگام بگویند: «آمَنْتُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» به خدا پناه ببرند و از این تفکر بیرون شوند و به او از شر شیطان رجیم پناهنده شوند.

و بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».

و بر این عقیده باید استوار بود و تکرار «آمَنْتُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» هنگام حضور هر فکر کفر آمیز انشاء الله مفید خواهد شد.

توصیه می‌شود که از ناامیدی از رحمت‌های خدا به سوی رحمت او امیدوار شویم. و کثرت تلاوت قرآن و تفکر در معانی آنها و برگشت به سوی خدا با صدق و رغبت، انسان را به حق راهنمایی و وسوسه‌ها را نابود می‌کند.

و بیشتر از همه سجده در نیمه شب و حسن ظن به پروردگار است. خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ [البقرة: ۱۸۶]

«من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم!».

با دوستان خوب رفاقت کن و از دوستی با اشرار دوری کن. آیا انسان به افکار و

وسوسه‌هایی که در مورد توحید و خدا خطور می‌کند مؤاخذه می‌شود؟

از آنحضرت صلی الله علیه و سلم ثابت است و در کتب صحیحین نیز آمده است، «که

خداوند از امت من در گذر شده آنچه را که دل و فکرش خطور می‌کند تا مادامی که به آن

عمل نکرده است و یا سخن نگفته است». صحابه‌ی کرام از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم

از خطر این نوع وسوسه‌ها سؤال کردند؟

آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مردمی هستند که می‌پرسند این همه را خدا خلق کرده است، پس خدا را چه کسی آفریده؟ کسی که به چنین وسوسه‌ای گرفتار شد بگوید: «أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ».

و در روایت دیگر آمده: «که به خدا پناه ببرد و از این فکر خود را دور کند». (صحیح مسلم)

اسباب محبت خدا

آیا می‌خواهی خداوند تو را دوست داشته باشد؟

آیا می‌دانی چون خداوند کسی را دوست داشته باشد جبرئیل را فرا می‌خواند و می‌فرماید: «من فلانی را دوست دارم تو نیز او را دوست بدار، جبرئیل او را دوست می‌دارد، سپس در آسمان ندا می‌دهد که خداوند فلان شخص را دوست دارد شما نیز او را دوست داشته باشید پس اهل آسمان او را دوست می‌دارند، سپس او در زمین نیز مقبول واقع می‌شود». (صحیح مسلم)

برای جلب محبت خدا این اعمال ضروری اند:

- ۱- انجام دادن نوافل بعد از فرایض.
- ۲- مداومت بر ذکر خدا در همه حال به زبان و قلب و عمل.
- ۳- ترجیح دادن آنچه الله می‌پسندد بر آنچه که نفس تقاضا می‌کند.
- ۴- تدبر قلبی در اسماء و صفات خدا و شناخت آنها.
- ۵- مشاهده‌ی نعمت‌ها و نیکی و احسان و الطاف خداوند.
- ۶- خلوت کردن با او در نیمه‌ی آخر شب و مناجات و تلاوت قرآن و حاضر شدن با روح و جان به درگاه او.
- ۷- مجالست با دوستان صادق.
- ۸- دوری از اسبابی که سبب فاصله و دیوار بین خدا و قلب می‌شود.

نعمت‌هایی فراوان و سپاسگذاری از آنها

برادر جوان! خداوند نعمتهای فراوان به تو عنایت کرده است که قابل شمارش نیستند، هر حرکتی نعمت است و هر سکون و هر نفسی که تنفس می‌کنیم و هر طرفه‌العینی نعمت است.

﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾ (ابراهیم: ۳۴)

«و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد!»

در مقابل این همه نعمت چه کاری انجام داده‌ای؟

آیا با زبان و قلب از این نعمت‌ها تشکر کرده‌ای؟

آیا آثار آنها بر رفتار و کردارت ظاهر شدند؟

نعمت اسلام

برادر جوان! چگونه می‌توانی شکر نعمت هدایت و اسلام را اداء کنی؟

آیا این از نعمت و احسان خدا نیست که تو را از بهترین مخلوقات و داعی دین خود قرار

داد؟

آیا از فضل و احسان خدا نیست که تو را جزء امت نبی خاتم و رسول بزرگوار او قرار

گرفتی؟

آیا این از فضل خدا نیست که تو را از افراد امت و دعوت جهانی قرار داد.

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ﴾ (آل

عمران: ۸۵)

«و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او

پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است.»

اگر خداوند تو را یهودی یا نصرانی و یا مجوسی خلق می‌کرد چه می‌شد یا اینکه بی دین

بودی؟ پس خدا را بر آنچه که به تو از نعمت اسلام عنایت کرده است شاکر باش.

نعمت قرآن

قرآن کتابی که خداوند برای هدایت بشریت نازل فرموده و راهنمای رستگاری است، آیا

این از فضل و احسان خدا نیست که براحتی قرآن، این کتاب عظیم در اختیار توست؟
 ملیون‌ها انسان هستند که به آسانی و سهولت به تلاوت و درک معانی آن دسترسی ندارد.

نعمت سنت

آیا خدا را بر سنت و راهی که به تو عنایت کرده و تو را از گروه اهل سنت و جماعت قرار داده شاکر بوده‌ای؟ میلیون‌ها نفر هستند که خود را به اسلام نسبت می‌دهند ولی راه را گم کرده‌اند و عقیده‌ی صحیح را از دست داده‌اند و مصداق قول پیامبر صلی الله علیه و سلم قرار دارند که فرموده است: «امت من هفتاد و دو فرقه می‌شوند که بجز یکی همه در جهنم اند». (اهل سنن)

و گروه پیروز کسانی‌اند که عامل بر سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم و اصحاب او هستند.

نعمت عقل

آیا خدا را بر نعمت عقل سپاس گذاری کرده‌ای؟ نعمتی که تو را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند، اگر آن را از تو بگیرد حال تو چگونه خواهد بود که از دیوانگان قرار بگیری و بچه‌ها به سوی تو سنگ پرتاب کنند؟

نعمت اعضاء و جوارح

آیا خدا را بر نعمت دست و پا، چشم، گوش، زبان و بینی شاکر بوده‌ای؟ اگر یکی از اینها را از تو بگیرد، مثلاً چشم را که کور شوی و یا گوش را که دیگر نشنوی و یا گنگ شوی و نتوانی راه بروی چه می‌کنی؟

و اعضای دیگری که داخل بدن تو هستند مانند قلب، کبد، ریه‌ها، کلیه‌ها و ... اگر یکی از آنها کم کار شود و تو در معرض نابودی قرار بگیری قدر این نعمت‌ها را می‌دانی.

﴿وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (الذاریات: ۲۱)

«و در وجود خود شما (نیز آیاتی است)؛ آیا نمی‌بینید؟!»

نعمت مال

نعمت سرمایه و مال، و نعمت خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، لباس‌ها و مسکن، و هوایی که از آن تنفس می‌کنی، همه اینها نیاز به تشکر و سپاس‌گذاری از خالق دارند، تصور کن یکی از این نعمت‌ها را از تو بگیرند چه احساسی خواهی داشت.

یک جرعه آب مساوی با حکومت هارون الرشید:

روزی ابن سماک بر هارون الرشید وارد شد، هارون پیاله‌ی آب خواست سپس آب سرد و گوارایی برایش آوردند، ابن سماک گفت: ای امیرالمؤمنین! اگر آب را از تو بگیرند و به شدت تشنه باشی این لیوان آب را به چند می‌گیری؟

گفت: به نصف پادشاهی ام، گفت: نوش جان بنوش، چون نوشید دوباره پرسید اگر خروج آبی که خوردی ممکن نباشد چقدر هزینه می‌کنی که از بدنت دفع شود؟ گفت نصف دیگر مملکت و پادشاهی ام، ابن سماک گفت: پادشاهی که نصف آن یک لیوان آب و نصف دیگر ادرار کردن باشد شایسته نیست که در آن رقابت کرد؟

نماز ستون دین است

برادر جوان! جایگاه نماز در اسلام رفیع است نماز ام العبادات است و بهترین طاعات بعد از شهادتین می‌باشد و برای حفاظت و ادای آن آیات زیادی از جانب پروردگار نازل شده

است: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳]

«و نماز را بپا دارید، و زکات را پردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را

با جماعت بگزارید)»

آنحضرت صلی الله علیه و سلم در بستر مرگ به ادای نماز توصیه فرمود.

انس رضی الله عنه می‌فرماید: «بیشترین وصیت پیامبر هنگام موت و سکرات نماز، ادای

حقوق زیردستان و کنیزان بود». (ابن ماجه)

علی رضی الله عنه می فرماید: آخرین کلام رسول اکرم صلی الله علیه و سلم این بود: «نماز بخوانید و بترسید از حقوق افرادی که زیر دست شما هستند». (ابو داوود)

برادر جوان! جایگاه تو در اهمیت دادن به این فرضیه کجاست، آیا بر ادای آن بر موعدهش کوشا هستی؟ چقدر هنگام ادای آن خشوع داری؟

آن را کجا اداء می کنی، آیا در مسجد همراه دیگر مسلمانان با جماعت اداء می کنی؟

آیا نماز بر اخلاق و معاملات تو تأثیر گذاشته است؟

بدان که، نماز اولین گزینه‌ای است که روز قیامت بنده را از آن سؤال می کنند. آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود: اولین چیزی که روز قیامت از آن محاسبه می کنند نماز است اگر آن مورد پذیرش قرار گیرد دیگر اعمال را می پذیرند و اگر ناقص باشد دیگر اعمال را نیز رد می کنند.

نماز جماعت

نماز در مسجد با جماعت از سنت‌های محبوب است. آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود: «کسی که می خواهد روز قیامت در حال مسلمان بودن خدا را ملاقات کند پس بر این نمازهای (فرض) در جایی که مؤذن از آنجا به ادای آن فرا می خواند مواظبت کند، خداوند سنت روشن و هادی را به رسولش عنایت فرموده است، اگر شما نماز را در خانه هایتان اداء کنید تارک سنت پیامبر خود هستید و اگر سنت پیامبرتان را ترک کنید گمراه می شوید».

منکراتی که باید از آنها دور جست

برادر جوان! می بینیم که بر توبه کردن عزم و اراده‌ی قوی کرده ای و با اشک هایت سطر و دفتر پشیمانی را امضاء کردی، پس لازم است که همت و اراده‌ی خود را بالا کنی، تا هر آنچه بر سر راه استقامت تو قرار می گیرد را نابود کنی و آنچه که بین تو و سعادت همیشگی ات حائل می شود را پشت سر اندازی و به رضایت پروردگار و فلاح و بهشت و نجات از آتش جهنم برسی.

لذا بر تو لازم است که:

- ۱- از ضایع کردن نمازها یا به تأخیر انداختن ادای آنها بر حذر باشی؛ زیرا هر کس نماز را ضایع می کند احکام دیگر را به طریق اولی ضایع خواهد کرد.
- ۲- از اینکه رمضان را روزه نگیری و روزهای آن را به خواب و شب را به بیداری و بازی بگذرانی بر حذر باش.
- ۳- اگر توانایی ادای حج را داری درنگ نکن.
- ۴- از دوستی با رفقای بد و دوستان ناباب دوری کن؛ زیرا انسان بر عقیده و دین دوست خود می گردد.
- ۵- از گوش دادن به موسیقی دوری کن؛ زیرا بزرگترین مانع استقامت است و محبت موسیقی نشانه‌ی ضعف ایمان است.
- ۶- عاقل از دود و مواد مخدر دوری می کند.
- ۷- شب بیداری بدون ضرورت بدن را ضعیف و باعث قضا شدن نماز صبح می شود.
- ۸- از پاستور و ورق بازی و قمار پرهیز کن.
- ۹- از این که وقت خود را به تماشای تلویزیون و فیلم‌های پوچ و بیهوده تلف کنی دوری کن.
- ۱۰- مسافرت کردن بدون ضرورت به کشورهای کفر، باعث انحراف و سستی در عقیده می شود.
- ۱۱- از این که به غیر مسلمانان خود را مشابه کنی و مراسمی چون مراسم آنها داشته باشی و لباسی چون آنان بپوشی پرهیز کن.
- ۱۲- از مزاحمت تلفنی برای دیگران پرهیز کن، که این نتیجه‌ی ضعف شخصیت و مرض قلب است.
- ۱۳- بدترین مکان بازار است از رفتن بدون ضرورت به آنجا پرهیز کن.
- ۱۴- بر نعمت‌های خدادادی حفاظت کن، و حفاظت آنها با شکر گزاری ممکن است، ماشین نیز نعمت است خود و آن را با سرعت غیر مجاز نابود مکن.

۱۵- استمناء (جلق) دلیل شکست در مقابل شهوت و هوای نفس است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: «آنانی که توان ازدواج ندارند پاکدامنی و عفت پیشه کنند تا مادامیکه خداوند از فضل خود آن ها را بی نیاز کند».

آنحضرت صلی الله علیه و سلم می فرماید: «ای جوانان! اگر کسی استطاعت ازدواج دارد پس ازدواج کند؛ زیرا برای حفاظت چشم و پاکدامنی خوب است و کسی که استطاعت ندارد روزه بگیرد روزه برای او سپری قرار می گیرد». (متفق علیه)

۱۶- از نافرمانی والدین دوری کنید؛ زیرا رضای خداوند در رضایت والدین است.

۱۷- از قطع صلهی رحم پرهیز کنید؛ زیرا قاطع صلهی رحم به جنت نمی رود.

۱۸- از دروغ پرهیز کنید؛ زیرا دروغ انسان را به فجور سوق می دهد و فجور انسان را به جهنم.

۱۹- از حسد دوری کنید؛ زیرا نوعی بی ادبی و اعتراض به تقسیم خداست.

در پایان از خدا می خواهم که من و تو را استقامت در دین عنایت کند و گناهان ما را ببخشد و بر ما رجوع کند و هدایت و راهنمایی مان نماید که توبه کنیم و اعمال اندک ما را بپذیرد و درجات ما را رفیع بگرداند و از بندگان نصیحت پذیر قرارمان دهد .

و صلی الله و سلم علی نبینا محمد و علی آله و أصحابه اجمعین

این بود ترجمه‌ی گزینشی از کتاب «**مهلا یا شباب**» امیدوارم که مورد رضای پروردگار قرار بگیرد.